



ملاحظات پیرامون قرآن قدس بررسی تطبیقی ویژگی‌های زبانی ترجمه قرآن قدس با فارسی میانه

نیما آصفی (دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

به یاد استاد فرزانه روان‌شاد دکتر ابوالقاسمی
دانشومندا، رفتی و سزد کز پس تو
مادر دانش از این غصه سترون گردد

چکیده: ویژگی‌های زبانی ترجمه قرآن قدس نشان می‌دهد که این متن احتمالاً در محدوده سیستان نوشته شده است. گونه زبانی این متن اختلاف‌های بسیاری با فارسی دری دارد. در حقیقت این گونه زبانی جز در مواردی همچون تحولات آوایی که خاص منطقه‌ای است که در آنجا به کتابت درآمده است، در باقی موارد شباهت بسیار با فارسی میانه دارد. در این پژوهش به بررسی تطبیقی این ترجمه کهن با زبان فارسی میانه پرداخته شده است. همچنین، کارکرد و شکل نوشتاری حروف اضافه «بی» و نیز قید «بی» با برابره‌های فارسی میانه آنها سنجیده شده است. مطلب دیگری که مورد بررسی قرار گرفته است ضمایر مبهم و موصول و نیز حرف ربط است. همچنین، به ویژگی‌هایی از این متن توجه شده است که نشان از تأثیر فارسی دری بر فارسی محلی مترجم دارد.

کلیدواژه‌ها: فارسی میانه، فارسی بهودی، فارسی نو، ترجمه‌های کهن قرآن، قرآن قدس

۱. مقدمه

در سال ۱۳۶۴ علی رواقی نسخه‌ای خطی از قرآن را که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد زبانی بود به صورت عکس همراه با تصحیح ترجمه در قطع سلطانی به چاپ رساند. این نسخه که در گنجینه نسخ خطی آستان قدس رضوی با شماره ۵۴ نگهداری می‌شود، از آیه ۲۱۳ سوره بقره آغاز می‌شود و تا سوره الضحی ادامه دارد. آغاز و انجامه نسخه افتاده است و هیچ آگاهی‌ای از تاریخ و نویسنده متن قرآنی و ترجمه آن نداریم. اما براساس ویژگی‌های زبانی و خطی نسخه، لازار و علی رواقی هرکدام به صورت جداگانه محل کتابت را حدود سیستان مشخص کرده‌اند. اما لازار (۱۳۹۳: ۱۵۸) با توجه به کاربرد پیشوند «می» به جای «همی» و «در» به جای «اندر» و شواهد دیگر، تاریخ ترجمه را حدود نیمه دوم قرن پنجم هجری دانسته است.^۱ او سبب ویژگی‌های کهن این ترجمه را این نکته می‌داند که گونه فارسی به کاررفته در این ترجمه، همچون برخی از متون فارسی - یهودی، متعلق به دسته جنوبی و ادامه مستقیم فارسی میانه است.^۲

۲. پیشینه پژوهش^۳

قرآن قدس نخستین بار به همت علی رواقی در سال ۱۳۶۴ منتشر شد. او در مقدمه نسخه چاپی این اثر، شرح مفصّلی درباره ویژگی‌های زبانی متن به قلم آورد. رواقی در ادامه پژوهش‌هایش درباره قرآن قدس، در سال ۱۳۸۱ به همراهی مریم میرشمسی کتابی را با نام ذیل فرهنگ‌های فارسی منتشر کرد که در آن بسیاری از واژه‌های ترجمه قرآن قدس را به دست داده است.

سید محمد عمادی حائری در کتاب قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رساند، به مقایسه قرآن قدس و چند ترجمه کهن دیگر با ترجمه تفسیر

۱. برای مقایسه این ترجمه (و نیز چند ترجمه دیگر) با ترجمه تفسیر طبری و تشخیص کهن‌ترین ترجمه، نک: عمادی حائری ۱۳۸۶.

۲. لازار این دسته زبانی را در تقابل با زبان متون نوشته شده به خط فارسی - عربی متعلق به خراسان و فرارودان قرار می‌دهد و بر آن نام فارسی جنوبی می‌نهد.

۳. برای به دست آوردن فهرست تمامی پژوهش‌های انجام شده درباره ترجمه قرآن قدس، نک: نیک‌روش ۱۳۹۴.

طبری پرداخته‌است. پژوهش بعدی مجموعه فرهنگنامه قرآنی است که به کوشش محمدجعفر یاحقی، واژه‌های ۱۴۲ نسخه از ترجمه‌های کهن قرآن گردآوری و در ۱۳۸۹ منتشر شده‌است؛ یکی از این ترجمه‌ها، ترجمه قرآن قدس است. آژیده مقدم نیز در سال ۱۳۹۴ مقاله‌ای پیرامون ویژگی‌های خطی قرآن قدس با عنوان «بررسی ویژگی‌های نگارشی بخش‌هایی از ترجمه قرآن قدس» با همکاری مریم شادکمالی نوشته‌است.

ژیلبر لازار پژوهشگر سرشناس زبان فارسی، پژوهش‌های ارزشمندی درباره ترجمه قرآن قدس در قالب مقاله نگاشته‌است. تعدادی از این مقالات در کتابی با عنوان شکل‌گیری زبان فارسی به قلم مهستی بحرینی به فارسی ترجمه و در ۱۳۹۳ به چاپ رسیده‌است. تاجایی که نگارنده آگاهی دارد چهار رساله درباره ترجمه قرآن قدس نوشته شده‌است: ۱. بررسی زبانی برگردان قرآن قدس جلد ۱، مریم کارگر برزی؛ ۲. سبک‌شناسی ترجمه قرآن قدس، رویا مسعودی؛ ۳. بررسی آوایی و صرفی ترجمه قرآن قدس و ترجمه سوره مائده، ترجمه تفسیر طبری و ترجمه تاج التراجم، حمیدرضا نیک‌روش؛ ۴. بررسی تطبیقی کاربرد واژگان و عبارات گویش سیستانی در ترجمه قرآن قدس، تاریخ بیهقی و آثار سنایی، رضا گل محمودی.^۱

۳. پرسش اصلی و روش پژوهش

در این پژوهش بر مبنای شیوه توصیفی - تطبیقی، شواهدی از زبان ترجمه قرآن قدس عرضه و مورد واکاوی قرار داده شده‌اند. هدف اصلی آن است که ویژگی‌های زبانی ترجمه قرآن قدس را با زبان فارسی میانه (و در برخی موارد با زبان متون فارسی - یهودی) بسنجیم و دریابیم چه میزان از ویژگی‌های کهن فارسی در گونه زبانی مترجم حفظ شده‌اند و نیز چه کارکردهایی داشته‌اند. در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده به مواردی پردازیم که در پژوهش‌های پیشین به آنها توجه نشده یا کمتر توجه شده‌است. اما گاه برای ارائه شواهد نو و بیان نظر،

۱. از مقاله‌های خارجی می‌توان به مقاله الا فیلیپونه (Ela Filippone 2011) با نام "The language of the Qor'ān-e Qods and its Sistanic dialectical background" اشاره کرد، او طی این مقاله نکات واجی - دستوری ترجمه قرآن قدس را با برخی گویش‌های ایرانی نوسنجیده‌است.

به‌ناچار این رویه کنار گذاشته شده است.

۴. حروف اضافه «بی» و «ب» و قید «بی» در قرآن قدس

۱.۴. حرف اضافه «بی»

نخستین بار پژوهشگران در متون فارسی - یهودی با حرف اضافه «by» روبه‌رو شدند و این پرسش مطرح شد که پیشینه این حرف اضافه چیست؟ ادامه *abi ایرانی باستان است یا از «ب» عربی وارد این متون شده است. مکنزی (1968: 255) هیچ‌یک از این دو نظر را محتمل نمی‌داند و بر این باور است که، این حرف اضافه ادامه «be ō» در متون فارسی میانه است که جزء نخست یعنی be^۱ پیشوند فعلی و جزء دوم حرف اضافه ō است. لازار (۱۳۹۳: ۲۱۴) این نظر را کاملاً درست می‌داند و با بررسی نقش «بی» در یک قطعه فارسی - یهودی (به نام قطعه دفاعیه) و نیز بررسی نقش «be ō» در متون فارسی میانه نشان می‌دهد که «بی» در قطعه فارسی - یهودی دقیقاً همان کاربرد «be ō» در متون فارسی میانه را دارد. بررسی لازار (همان: ۲۱۳) نشان می‌دهد که «by» در قطعه دفاعیه و «be ō» در متون فارسی میانه با فعل‌های بیانگر حرکت به کار می‌روند و همواره معنایی جهت‌نما دارند. این فعل‌ها در قطعه دفاعیه شامل آمدن، رسیدن، آوردن، فرستادن و دادن است و در شواهد فارسی میانه نیز با فعل‌هایی از جمله āmadan, frēstādan, āwurdan, nimūdan, ōftādan به کار رفته است که جملگی فعل‌های جهت‌نما هستند.^۲ در دو متن کهن، به خط عربی - فارسی، این حرف اضافه با املا «بی» دیده می‌شود.

یک‌بار در تاریخ سیستان در شعری از محمد بن وصیف:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام

۱. مکنزی در مقاله و واژه‌نامه‌اش (فرهنگ کوچک زبان پهلوی) be آوانویسی کرده است، درحالی‌که لازار be آوانویسی می‌کند. لازار توضیح می‌دهد که پیشوند فعلی - قید bēh پارتی (= be در فارسی میانه) در ابتدا، معنای «بیرون» داشته است. برای توضیحات بیشتر، نک: لازار ۱۳۹۳: ۲۱۶.

۲. برای بررسی بیشتر درباره گونه‌های مختلف be / bē در زبان فارسی میانه و نو و آشنایی با نظرات دیگر، نک: Jügel 2013.

ازلی خطی در لوح که ملکی بدهید بی‌ابی‌یوسف یعقوب بن الیث همام و به‌فراوانی در ترجمه قرآن قدس. پیش‌تر لازار در دو مقاله^۱ به وجود این حرف اضافه در ترجمه قرآن قدس اشاره کرده‌است. او در مقاله نخست نگاهی گذرا به موضوع داشته و در مقاله دوم بیشتر به متون فارسی - یهودی پرداخته‌است.^۲ در این مقاله به شاهی اشاره می‌کنیم که می‌تواند نشانگر تحول زبانی و جانشینی «بی» به جای «ō / be ō» باشد. همچنین شاهی از کاربرد حرف اضافه ō در قرآن قدس به دست خواهیم داد.

در ترجمه آیه ۲۳۱ سوره بقره چنین آمده‌است: «بزه نیست و ران دوا که یک بی دیگر واز ایند» (گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازایند). شاهد اخیر آشکارا نشان می‌دهد که حرف اضافه «بی» در ترجمه قرآن قدس، کاربرد حرف اضافه ō در متون فارسی میانه را دارد^۳؛ زیرا، برابر این شاهد به‌فراوانی در متون فارسی میانه به شکل ... ō did ek دیده می‌شود. پرسش درخور توجه این است که آیا خود حرف اضافه ō در ترجمه قرآن قدس دیده می‌شود؟ پیش‌تر

۱. هر دوی این مقالات در کتاب شکل‌گیری زبان فارسی (۱۳۹۳) ترجمه مهستی بحرینی آمده‌است، مقاله نخست با نام «پرتوی نو بر شکل‌گیری زبان فارسی» و مقاله دوم با نام «حروف اضافه pad و be ō در فارسی و پهلوی».

۲. برخی از افعالی که این حرف اضافه در قرآن قدس با آنها همراه شده‌است بدین شرح‌اند:

الف) نمودن: خدای ره نماید کرا خواهد بی رهی راست (خدا هرکس را که بخواهد به راه راست ره نماید) (آیه ۲۷۲ سوره بقره).

ب) خواندن: ایشان می‌خوانند بی آتش (ایشان [شما را] به سوی آتش می‌خوانند) (آیه ۲۲۱ سوره بقره).

ج) نگرستن: در قرآن قدس فعل «نگرستن» بیشترین بسامد را با حرف اضافه «بی» دارد. ای ننگری بی ایشان کبیرون شدند (آیا نمی‌نگری به آنها که بیرون شدند) (آیه ۲۴۳ سوره بقره).

د) آوردن: می‌بیرون آرند ایشان را از روشنایی بی تاریکی‌ها (آنها را از روشنایی به سوی تاریکی بیرون می‌آورند) (آیه ۲۵۷ سوره بقره).

ه) دادن: و ان خزین کنید از نیکی بونده داده شهد بی شما (و آنچه از نیکی هزینه کنید کامل به شما داده شود) (آیه ۲۷۲ سوره بقره).

و) شدن: انوز غلبه کرده شید و حشر کرده شید بی دوزخ (زود مغلوب شوید و به دوزخ حشر کرده شوید) (آیه ۱۲ سوره آل‌عمران).

ز) حرف اضافه «بی» ممکن است در حکم قید به معنای «نزد، پیش» به کار رود. بهم کن ایشانرا بی توا (آنها را نزد خود در هم آمیز) آیه ۲۶۰ سوره بقره.

۳. هم مکزی و هم لازار تأکید کرده‌اند که به مرور زمان ارزش معنایی be ō در متون فارسی میانه برابر ō شده‌است (لازار، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

لازار (۱۳۹۳: ۱۵۲) احتمال داده‌است که حرف اضافهٔ \bar{o} به شکل «ا» در عبارت «ازمان» دیده می‌شود اما در مورد «ازمان» رواقی (۱۳۶۴: ۲) بر این باور است که همان «هزمان» (= هرزمان) است. باتوجه به کاربرد «هزمان» در شاهنامه، به نظر می‌رسد نظر رواقی درست باشد و احتمالاً «ا» در «ازمان» ارتباطی با حرف اضافهٔ \bar{o} ندارد. لازار شاهد دیگری که کاربرد حرف اضافهٔ \bar{o} در ترجمهٔ قرآن قدس را تأیید کند، ارائه نکرده‌است. نگارنده نیز پس از جستجو در رساله‌ها و مقالاتی که در ارتباط با ترجمهٔ قرآن قدس نوشته شده‌اند، نشانی نیافت. اما خوشبختانه شاهدی در آیهٔ ۲۸۱ سورهٔ بقره به دست آمد: «یا ایشان کبگرو یستید ازمان یک و دیگر را اوام دهید». آشکار است که این عبارت برابر با عبارت فارسی میانهٔ $\bar{e}k \bar{o} did$ است و شاهد ترجمهٔ آیهٔ ۲۳۱ بقره یعنی «یک بی دیگر» نشان از آن دارد که حرف اضافهٔ «و» (\bar{o}) در حال فراموشی است و «بی $b\bar{e}$ » در حال جانشین شدن است.^۱ در متون فارسی - یهودی نیز حرف اضافهٔ \bar{o} با املاي $\bar{y}k \square = \bar{y}k$ باقی مانده‌است. همچنین، عبارت مورد نظر ما به شکل « $\bar{y}k \square dygr$ » در تفسیر یوشع آمده‌است (غنی ۱۳۸۸: ۱۸۰). لازم است که در اینجا به دو موضوع مهم توجه کنیم: نخست آنکه در آیهٔ ۲۳۱ سورهٔ بقره: «یک بی دیگر واز ایند»، فعل جهت‌نماست و طبق قاعده، حرف اضافهٔ «بی» به کار رفته‌است. اما در آیهٔ ۲۸۱ سورهٔ بقره «یا ایشان کبگرو یستید ازمان یک و دیگر را اوام دهید» فعل جهت‌نما نیست، بنابراین نیازی به کاربرد «بی» نبوده‌است. احتمالاً دلیل برجا ماندن حرف اضافهٔ «و» همین نکته بوده‌است. نکتهٔ دوم در مورد حرف اضافهٔ پسایند «را» است. همان‌طور که پاول (2003: 186) در مورد متون فارسی - یهودی گفته‌است در شاهد اخیر حرف اضافهٔ پسین «را» در نزدیکی حرف اضافهٔ «و»

۱. در کتاب هدایة المتعلمین فی الطب نوشتهٔ ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوانی البخاری (۱۳۴۴: ۱۱۷-۱۷۳) عبارات «یک با دیگر» و «یک بدیگر» به کار رفته‌است. «یک با دیگر» ادامهٔ مستقیم $\bar{e}k \bar{a}b\bar{a}g \bar{d}id$ فارسی میانه است. اما دربارهٔ «یک بدیگر» مورد خاصی که نسبت به متون فارسی - یهودی و قرآن قدس دیده می‌شود اینکه، انتظار داشتیم همانند متون یادشده به شکل «بی» نوشته (و تلفظ) شود. این عبارت در نسخهٔ کتابخانهٔ فاتح استانبول «بیک دیگر» ضبط شده‌است. به هر حال، این شاهد نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۲. تلفظ حرف اضافهٔ \bar{o} در متون فارسی - یهودی چندان روشن نیست. شاکد آن را a یا o می‌خواند درحالی که لازار و پاول تلفظ u را درست می‌دانند (نوروزی ۱۳۹۲: ۱۳۲).

«ō» به کار رفته است و این مجاورت در دوره‌های بعدی منجر به حذف «(ō)» شده است.^۱

۲.۴. حرف اضافه «ب»

حرف اضافه «ب» ادامه pad دوره میانه است و از آنجایی که در بیشتر نسخ فارسی قرون اولیه و نیز نسخه قرآن قدس تمایزی میان حرف «پ» و «ب» نیست احتمالاً باید در ترجمه قرآن قدس نیز این حرف اضافه، pa خوانده شود (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۸). این حرف اضافه در ترجمه قرآن قدس همواره به شکل «ب» پیوسته با حروف بعدی می‌آید و تنها در پیوند با ضمائر او، این و آن به شکل «بد» دیده می‌شود. اینک برخی از کارکردهای این حرف اضافه را در برابر pad فارسی میانه می‌سنجیم.^۲

الف) در متون فارسی میانه چنانچه pad همراه با اسم معنا به کار رود می‌تواند بیانگر کنشی باشد (برونر ۱۳۷۶: ۲۷۵).

pad hēnīh

به دشمنی (کارنامه اردشیر بابکان) (فرهوشی ۱۳۹۰: ۵۶).

نمونه از قرآن قدس:

و از گرفتن بنیکوی یا گسید کردن بنیکوی (به نیکویی نگاهداشتن یا به نیکویی گسیل کردن) (آیه ۲۲۹ سوره بقره).

ب) pad در متون فارسی میانه می‌تواند در قالب عبارات اضافه برای بیان مفاهیمی همچون درباره، نسبت به، براساس، برپایه، از نظر، بنابر به کار رود^۳ (برونر ۱۳۷۶: ۲۷۶).

passāxt ī pad

آزمایش براساس دین^۴ (ارداویراف‌نامه، فصل ۱ بند ۱۰) (Brunner 1977: 121).

۱. برای آگاهی بیشتر درباره حروف اضافه فارسی میانه و ادامه آنها در متون فارسی - یهودی، نک: نوروزی ۱۳۹۲.

۲. همه قواعد فارسی میانه از برونر نقل شده است.

۳. در متون فارسی - یهودی: «په اقراری هر چهار رم» (به اقرار هر چهار ملت) (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۰)

4. An ordeal regarding the religion.

برونر به جاماسب آسا فصل ۱، بند ۱۶ ارجاع داده است. ژینیو (۱۳۷۲: ۴۰) همین عبارت را «برای انجام دین» ترجمه کرده است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به پانوشت شماره ۱۳ همین منبع.

نمونه از قرآن قدس:

ان اند نشان‌های خدای می‌خوانیم ان را ور تو بحق و تو از فرستادگان هی (آن هستند نشانه‌های خدا، آن را بر تو به حق می‌خوانیم و تو از فرستادگان هستی) (آیه ۲۵۲ سوره بقره).
گاهی pad در گستره کاربرد خود، جهت ارجاع به کار می‌رود و معنای «برای، به هدف، به منظور» دارد (برونر ۱۳۷۶: ۲۷۷):

ādūr farrōbay pad tōzišn abāg mihrēn rāyēnišn kunēd

آذرفرنگ (آذرفرئی) برای [گرفتن] تاوان علیه مهرین طرح دعوا کند (مادبان هزار دادستان: ۵۹.۷) (حاجی پور ۱۳۹۷: ۵۷).

نمونه از قرآن قدس:

چون اوی که می‌خزین کند مال اوی بچشم دیدی مردمان (همچون او که مال خود را برای نمایش دادن به مردمان هزینه می‌کند) (آیه ۲۶۴ سوره بقره).
ج) در جمله‌هایی که فعل متعدی است، pad می‌تواند نشان‌دهنده فاعل منطقی دوم یا وسیله و ابزار باشد^۱ (برونر ۱۳۷۶: ۲۷۹):

pad čašm be did

به چشم دید (کارنامه اردشیر بابکان) (فروهوشی ۱۳۹۰: ۴۶).

نمونه از قرآن قدس:

گفت خدای آزمودار شماس ت بچوی (خدا آزمایش‌کننده شماس است به وسیله جویی) (آیه ۲۴۹ سوره بقره).

د) حرف اضافه pad در عبارات بیان علت و سبب، گهگاهی در فارسی میانه و به ندرت در پهلوی اشکانی کاربرد دارد^۲ (برونر ۱۳۷۶: ۲۸۴).

Ardaxšēr pad ān saxwan šād menišn be būd

اردشیر به [سبب] آن سخن، شادمنش (خاطرشاد) بشد (کارنامه اردشیر بابکان) (فروهوشی

۱. در متون فارسی - یهودی: «هر همیالی په همیالی اوی شاید داشتن» (هر ضدی را به وسیله ضدش باز توان داشت) (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۰).

۲. در متون فارسی - یهودی: «اوی را بهدیرفتیم په بزرگ نشانها» (او را به [سبب] نشانه‌های بزرگ پذیرفتیم) (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۰).

۱۳۹۰: ۷۲).

نمونه از قرآن قدس:

کو دشخواری نموده مشه مادری بفرزند اوی و نی پدری بفرزند اوی (گو [هیچ] مادری به سبب فرزندش دشواری نبیند و نه هیچ پدری به سبب فرزندش) (آیه ۲۳۳ سوره بقره).
ه) عبارت همراه pad ممکن است مقصد جنبش یا حرکتی را نشان دهد (برونر ۱۳۷۶: ۲۸۶):

pad yazišn ī yazdān... nē hilēnd

به یزش ایزدان... نه‌لند (اندرز خسرو قبادان) (Jamasp-Asana 1913: 55).

نمونه از قرآن قدس:

و نگر وید بخدای و روز ان جهن (و به خدا و روز واپسین نه گِرود) (آیه ۲۶۴ سوره بقره).

و) نشان دادن جایگاه زمانی:

در متون فارسی میانه، pad می‌تواند در ساخت عباراتی قیدی، که موقعیتی از زمان را مشخص می‌کنند، به کار رود^۱ (برونر ۱۳۷۶: ۲۷۲):

pad gāh ī xwēš

در گاه خویش (ارداو یراف‌نامه) (ژینیو ۱۳۷۲: ۹۷).

نمونه از قرآن قدس:

ایشان کمی خزین کنند بشو و روز (ایشان که در شب و روز هزینه می‌کنند) (آیه ۲۷۴ سوره بقره).

۳.۴. قید «بی» در فارسی میانه و کارکرد آن در ترجمه قرآن قدس

bē در متون فارسی میانه به معانی «اما، بیرون» (مکنزی ۱۳۹۴: ۵۲)، «بلکه» (آموزگار و تفضلی ۱۳۹۲: ۶۲)، «به‌جز، مگر» (برونر ۱۳۷۶: ۵۲۳) آمده است.

این واژه با املا «بی» در ترجمه قرآن قدس برای معانی «مگر، به‌جز» و «اما» در برابر لغات قرآنی «الّا» و «لکن» به کار رفته است. نمونه‌هایی از سوره بقره که «بی» معادل «الّا»

۱. در متون فارسی - یهودی: «په آن زمانه» (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۰)، شاهد دیگری از فارسی میانه:

pad ān zaman

در آن زمان (کتیبه کرتیر - کعبه زرتشت سطر چهارم) (Gignoux 1991: 45).

آمده است: اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن بی ایشان که داده شدند (آیه ۲۱۳)؛ بی آنکه ترسند (آیه ۲۲۹)؛ بی آنکه گویند قولی نیکوا (آیه ۲۳۵)؛ بی خجاره از ایشان (آیه ۲۴۶). مثال دیگر از سوره بقره، که «بی» معادل «لکن» به کار رفته است: بی خدای فضل‌ی و جهانیان (آیه ۲۵۳)؛ بی خدای کند آن خواهد (آیه ۲۵۳)؛ بی تا بیارم دل من (آیه ۲۶۰)؛ بی خدای ره نماید کرا خواهد (آیه ۲۷۲). در برخی موارد به جای «بی» از واژه «مگر» در برابر «الّا» استفاده شده است (نک: سوره بقره، آیه ۲۵۵). این جانیشینی به نوعی می‌تواند نشانگر آغاز دوره فراموشی گونه‌های کهن گویشی و غلبه فارسی دری باشد.

۵. «که» در قرآن قدس

در متون فارسی میانه ka معمولاً در سه کارکرد دیده می‌شود: ۱. به عنوان قید و حرف ربط زمان؛ ۲. به عنوان حرف شرط (اگر)؛ ۳. گاهی به جای حرف ربط kū در متون متأخر. کارکرد نخست در قرآن قدس نیز دیده می‌شود. ka در ترجمه قرآن قدس با املائی «که» و «ک» در نقش قید زمان به کار رفته است. برای نمونه، آیه ۲۶۰ سوره بقره، در برابر واژه عربی «اذا» با املائی «که» در معنای «هنگامی که»: «که گفت ابراهیم» (هنگامی که گفت ابراهیم) و آیه ۲۳۴ سوره بقره با املائی «ک» در عبارت «ازمان کرسند بزمان ایشان» (آن زمان که رسند به زمان خود) در برابر عبارت عربی «فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجْلَهُنَّ».

۶. «که، ک» به عنوان حرف ربط در قرآن قدس

kū در متون فارسی میانه به عنوان حرف ربط، جمله پیرو می‌سازد و کارکردهای متفاوتی را

۱. نمونه کارکرد نخست (سازنده فراکردهای پیرو زمان) در فارسی میانه:

pāsox ēd kū stūrīh ēdōn bawēd ī **ka** mard ī āzād...

پاسخ اینکه، ستوری این‌گونه باشد زمانی که مرد آزاده... (دادستان‌دینی پرسش ۵۵) (میرفخرایی ۱۳۹۷: ۶۱، ۱۴۸).

نشان می‌دهد و کاربرد فراوان دارد. اما در ترجمه قرآن قدس این حرف ربط دیده نمی‌شود و به جای آن از حرف ربطی با املای «که» و یا «ک» استفاده می‌شود. این حرف ربط همواره در برابر «آن» عربی آمده است. در این بخش، سعی بر آن است بر مبنای شواهد در دسترس، کارکردهای k̄ā در فارسی میانه را با «ک، که» در قرآن قدس بسنجیم.

الف) از مواردی که در متون فارسی میانه k̄ā به کار می‌رفته و شواهد بی‌شمار از آن در دسترس است در نقل قول‌های مستقیم^۱ است:

u-š guft pōrušasp k̄ū: bē ēd mard ō ān ī narm pah wistarag barēd

پوروشسپ گفت که: اما این مرد را به آن بستر نرم پوست گوسفند ببرید (دینکرد هفتم، فصل ۳، بند ۳) (راشد محصل ۱۳۸۹: ۳۹، ۲۱۷).

این کارکرد در ترجمه قرآن قدس برعهده «که، ک» است، برای نمونه:

گفت ایشانرا پیغامبر ایشان که نشان پادشاهی انست که ارد به شما تابوت (آیه ۲۴۸ سوره بقره).

گفتند ایشان کمی یقین شند کایشان پذیره آمداران خدای اند (آیه ۲۴۹ سوره بقره).

ب) در فارسی میانه k̄ā می‌تواند بر سر جمله پیروی بیاید که بیانگر هدف و منظور است

(ابوالقاسمی ۱۳۹۳: ۳۶۰):

āz kāmāgīh ma kun k̄ūt āz dēw nē frēbēd

آزکامگی مکن که دیو آز تو را نفریید (همان: ۳۶۰).

نمونه از قرآن قدس:

خدای را نکنید گهانه سوگندان شما را که نیکی نکنید (خدا را بهانه سوگندایتان نکنید [به این

هدف] که نیکی نکنید) (آیه ۲۲۴ سوره بقره).

پ) در جمله‌های پیرو اسمی: در فارسی میانه k̄ā می‌تواند بر سر جملات پیرو اسمی

بیاید برای نمونه:

umān kāmāg k̄ū ōy ō dar ī amā frēstēh

۱. در نقل قول‌های کوتاه ممکن است k̄ā نیاید. برای این مورد در فارسی میانه، نک: برونر ۱۳۷۶: ۴۹۰. در ترجمه قرآن قدس نیز گاه «که» حذف می‌شود برای نمونه در آیه ۲۴۴ سوره بقره: «گفتند ۰ چیست ایما را که کارزار نکنیم».

کامه ما[ست] که او را به دربار ما فرست (ابوالقاسمی ۱۳۹۳: ۳۵۶).
این کارکرد در ترجمه قرآن قدس به فراوانی با هر دو گونه «ک» و «که» دیده می‌شود.
بدان کنصرت خدای نزدیک است (آیه ۲۱۴ سوره بقره).
بدانید که خدای بدان می‌کنید بیناست (آیه ۲۳۳ سوره بقره).

۷. «کی، که، ک» در قرآن قدس

kē در زبان فارسی میانه به‌عنوان موصول، ضمیر مبهم و ضمیر پرسشی به‌کار می‌رفته‌است و ادامه ka در فارسی باستان است. در کتیبه‌های فارسی باستان ادات čit به ka، پیوسته و به‌عنوان ضمیر مبهم باقی‌مانده‌است (مولایی ۱۳۹۹: ۱۶۱). در کتیبه‌های فارسی باستان تنها حالت صرفی موجود از ka صرف نهادی (همراه با čit- در مقام ضمیر مبهم) است که به شکل kašči به‌کار رفته‌است. بنابراین نمی‌توان از کتیبه‌های فارسی باستان (بر مبنای نقش نحوی) برای رهگیری تلفظ دقیق kē در دوره میانه استفاده کرد. در قرآن قدس این ضمیر به فراوانی دیده می‌شود و تقریباً تمامی کارکردهایی که گفته شد را دارد. نکته شایان توجه اینکه، مترجم قرآن قدس به شکلی کاملاً آگاهانه و قاعده‌مند سه گونه نوشتار را برای این کارکردها برگزیده‌است. نخستین شیوه نوشتار در قرآن قدس «کی» است که باید مانند صورت فارسی میانه kē خوانده شود. دومین گونه نوشتاری «که» و سومین «ک» است. اینک این سه گونه نوشتاری را بر اساس کارکرد بررسی می‌کنیم.

۱.۷. «کی»

«کی» در ترجمه قرآن قدس همواره در برابر واژه عربی «مَن» برای موارد زیر به‌کار رفته‌است:

الف) ضمیر مبهم (کسی که)

زیشان بود کی بگرویست و زیشان بود کی کافر شد (زیشان بود کسی که بگرویست...) (آیه

۲۵۲ سوره بقره).

کی کافر شهید بدیو، بگروید بخدای، بگرفت گوشه خستوارتر (کسی که کافر شود به دیو...)
(آیه ۲۵۵ سوره بقره).

کی آمد بدو پندی (کسی بدو پندی رسید) (آیه ۲۷۴ سوره بقره).

کی واز گردد از شما از دین اوی، بمیرد اوی کافر (کسی که از میان شما از دین خود بازگردد)
(آیه ۲۱۶ سوره بقره).

کی بگذرد ور حدهای خدای ایشان اند ستمکاران (کسی که بگذرد... (آیه ۲۲۸ سوره بقره).

خدای از مودار شماست بجوی، کی بشمد (... کسی که بیاشامد) (آیه ۲۴۸ سوره بقره).

کی نخورد از ان تا وی از من است ... بی کی ورداشت ورداشتی (... به جز کسی که
برداشت... (آیه ۲۴۸ سوره بقره).

ب) ضمیر پرسشی (کی / چه کسی)

کی است اوی شفاعت کند نزدیک اوی بی فرمان اوی؟ (کیست آن کس که جز به فرمان او در
پیشگاهش شفاعت کند؟) (آیه ۲۵۵ سوره بقره).

کی است اوی که اوام دهد؟ (کیست آنکه وام دهد؟) (آیه ۲۴۵ سوره بقره).

۲.۷. «که» در نقش موصول پس از ضمیر شخصی یا اشاره متقدم

مترجم هرگاه به واژه عربی «الذی / الذین» رسیده است آن را با ضمیر منفصل سوم شخص
مفرد/ جمع و ضمیر موصولی «که» ترجمه کرده است.

اختلاف نکردند در ان بی ایشان که داده شدند (اختلاف نکردند در آن به جز آنها که به ایشان
داده شد) (آیه ۲۱۳ سوره بقره).

ایاد کنید خدای را چنان بیامخت شما را ان نبودید که دانستید (خدا را یاد کنید که آنچه
نمی دانستید به شما آموخت) (آیه ۲۳۹ سوره بقره).

ای ننگری به اوی که پیکار کرد و ابراهیم (آیا نمی نگری به آنکه با ابراهیم پیکار کرد) (آیه
۲۵۸ سوره بقره).

گفت ابراهیم خداوند من اوی است که زنده کند و بمیراند (آیه ۲۵۸ سوره بقره).

هکوی شد اوی که کافر شد (مبهوت شد او که کافر شد) (آیه ۲۵۷ سوره بقره).

حاجتمندان را ایشان که بشرده شدند (حاجتمندان را ایشان را که محبوس / بازداشت شده‌اند) (صدقات] برای فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند) (آیه ۲۷۳ سوره بقره).

۳.۷. «ک»

«ک» در ترجمه قرآن قدس در ۲ حالت دیده می‌شود:

نخست در ترجمه «من» به‌عنوان ضمیر مبهم می‌آید و بلافاصله حرف اضافه «را» بدان می‌پیوندد.^۱

خدای ره نماید کرا خواهد (آیه ۲۱۳ سوره بقره).

خدای یک دوا کند کرا خواهد (آیه ۲۶۱ سوره بقره).

دهد حکمت کرا ... (آیه ۲۶۹ سوره بقره).

گاهی پیش از «ک» ضمیر اشاره می‌آید:

خدای دهد پادشاهی اوی کرا خواهد (آیه ۲۴۷ سوره بقره).

دوم در نقش موصول (همانند «که»)، پس از ضمیر شخصی یا اشاره متقدم سوم شخص

مفرد و جمع که در برابر ترجمه الّذی و الّذین به‌کار می‌رود.

ره نمود خدای ایشانرا کبگرو بستند (آیه ۲۱۳ سوره بقره).

اوی کبدست اوست (آیه ۲۳۷ سوره بقره).

ایشان کمی میرند از شما (آیه ۲۴۰ سوره بقره).

ای ننگری بی ایشان کبیرون شدند (آیه ۲۴۳ سوره بقره).

ایشان کاز پس ایشان بودند (آیه ۲۵۳ سوره بقره).

ایشان کمی خزین کنند مالها ایشان به شو و روز (آنها که مال‌هایشان را شب و روز هزینه

[اتفاق] می‌کنند) (آیه ۲۷۴ سوره بقره).

چون اوی کمی خزین کند مال اوی بچشم دیدی مردمان (چون او که مال خود را برای

۱. آژیده مقدم (۱۳۹۴: ۳۹) نوشته‌است: «موصول که، در ترجمه قرآن قدس هم به‌صورت پیوسته (ک) و هم به‌صورت جدا (که) نوشته شده‌است...» سپس دو مثال می‌آورد: «خدای ره نماید کرا خواهد»؛ «بدانید که خدای بدان می‌کنید بیناست». چنان‌که پیداست هیچ‌کدام از این دو مثال ضمیر موصولی نیستند بلکه مثال اول ضمیر مبهم است و مثال دوم همان‌طور که در بخش kī گفته شد، حرف ربط است.

خودنمایی به مردم هزینه [انفاق] می‌کند) (آیه ۲۶۳ سوره بقره).
یا چون اوی کسبوت ور دهی (یا چون او که برفت [عبور کرد] بر دهی) (آیه ۲۵۹ سوره بقره).

۴.۷. قاعده‌ای که می‌توان از شواهد بالا به دست آورد:

۱. هر جا ضمیر مبهم (بدون حرف اضافه «را») و یا ضمیر پرسشی نیاز باشد با «کی» نوشته شده است.

۲. هرگاه موصول با ضمیر شخصی یا اشاره همراه شده باشد حتماً «که» یا «ک» نوشته می‌شود. نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد اینکه، موصول با املائی «ک» در تمامی شواهد جز یک مورد، به دو حرف «ب» و «م» پیوسته است و معمولاً این «ب» یا «م» متعلق به پیشوند فعلی‌اند. بی‌گمان این قاعده‌مندی در نوشتار از تلفظ نویسنده سرچشمه می‌گیرد یعنی آنچه را که ما در فارسی میانه همواره با یای مجهول، kē می‌خوانیم در گویش مترجم قرآن قدس به دو شکل بلند و کوتاه تلفظ می‌شده و کارکرد متفاوت داشته است.

نکته شایان توجه این است که در فارسی محاوره‌ای امروز ایران نیز تفاوت تلفظ میان «که» در مقام ضمیر مبهم و پرسشی و «که» به‌عنوان ضمیر موصولی وجود دارد. ما امروزه ضمیر پرسشی و ضمیر مبهم را همواره «کی (kī)» و ضمیر موصولی را «که» تلفظ می‌کنیم. در فارسی ادبی نیز «که» به‌عنوان ضمیر مبهم و پرسشی با تکیه بر حرف نخست، یعنی «ک» بیان می‌شود، اما «که» موصولی بدون تکیه خوانده می‌شود.

محمد بن عبدالخالق میهنی در کتاب آیین دبیری (تاریخ تألیف ۵۸۵ق) در مورد شیوه نوشتار ضمائر موصولی و پرسشی قانونی به دست می‌دهد که درست برخلاف شیوه نوشتار ترجمه قرآن قدس است: «که و چه اگر برای استفهام به کار دارند به هاء باید نبستن، و اگر استفهام را نباشد ولکن برای صله در میان سخن آید به یا باید نبستن» (میهنی، آیین دبیری: ۸).

۸. اشباع «ی» در نقش موصول در قرآن قدس

در زبان فارسی میانه نشانه‌ی آ دو کارکرد مهم دارد: گاه به‌عنوان موصول مورد استفاده قرار

می‌گیرد و گاه به‌عنوان کسره اضافه به‌کار می‌رود. در دوره‌های پسین این نشانه به *i* تخفیف پیدا کرده و در فارسی نو به کسره اضافه بدل شده‌است. علی‌اشرف صادقی (۱۳۹۵: ۳-۴) ۵ شاهد قطعی در متون متقدم فارسی پیدا کرده‌است که حرف «ی»، ادامهٔ *i* فارسی میانه، به‌عنوان «که» موصول به‌کار رفته‌است. اما هیچ‌یک از ۵ شاهد از ترجمهٔ قرآن قدس نیست. در قرآن قدس نیز شواهدی از کاربرد «ی» به‌عنوان «که» موصول دیده می‌شود. مرجع این موصول معمولاً ضمیر اشارهٔ «آن» است که با حرف اضافهٔ «را» همراه شده‌است، از جمله: آیهٔ ۲۱۳ سورهٔ بقره: «ره نمود خدای ایشانرا کبگرو بستند انرا ی اختلاف کردند در ان» (خدا ره نمود به آنها که ایمان آوردند به آن چیزی که در آن اختلاف کردند)؛ آیهٔ ۳ سورهٔ آل‌عمران: «فروید کرد ورتوا کتاب بحق راست کر گرفتار ان را ی پیش ان ست» (این کتاب را به‌حق بر تو نازل کرد که باوردارنده (مؤید) است آن را که پیش از خودش است)؛ نیز آیهٔ ۷ سورهٔ آل‌عمران: «اما ایشان کدر دل‌ها ایشان کیلی می پس روی کنند ان را ی مانسته شد» (اما آنان که در دل‌هایشان کژی است از متشابه آن پیروی کنند). نکتهٔ قابل ذکر اینکه، موصول در هر سه شاهد، کنار حرف اضافهٔ «را» آمده‌است. در نگاه نخست ممکن است تصور شود حرف اضافهٔ «را» به‌شکل کهن یعنی «رای» به‌کار رفته‌است اما شواهد نشان می‌دهند در ترجمهٔ قرآن قدس همه جا این حرف اضافه با املائی «را» آمده‌است، و تنها در مواردی که جمله نیازمند موصول بوده حرف اضافهٔ «را» به‌صورت «رای»^۱ نوشته شده‌است.

۸.۱. کسره اضافه در نقش موصول

علی‌اشرف صادقی (همان: ۴-۷) آورده‌است که کسره اضافه ادامهٔ مستقیم *i* فارسی میانه است و در فارسی دری به‌عنوان موصول (به‌جای «که») به‌کار رفته‌است اما چون تخفیف پیدا کرده و به کسره (= *i* کوتاه) بدل شده، در خط منعکس نشده و در نتیجه کسی متوجه این کارکرد کسره اضافه در متون فارسی متقدم نشده‌است. نمونه‌ای از کارکرد کسره اضافه (یعنی *i* که به

۱. برای نمونه بنگرید به آیات ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۶۷ بقره و آیات ۸ و ۱۰ سورهٔ آل‌عمران، برای شواهد بیشتر در مورد کاربرد حرف اضافهٔ «را» در ترجمهٔ قرآن قدس، نک: نیک‌روش ۱۳۹۴: ۱۳۰.

سبب تخفیف نوشته نمی‌شود) به‌عنوان «که» موصول در ترجمه قرآن قدس عبارت است از: سورة بقره آیه ۲۳۴ «ایشان Ø می‌میرند از شما» و آیه ۲۳۷ «بنیم آن کاوین Ø کردید».

۹. کاربرد فعل «گو» به جای «بگه»

در ترجمه قرآن قدس فعل امر دوم‌شخص مفرد «بگو» (برابر عربی «قُل») همواره به‌شکل «بگه» به‌کار رفته‌است. بگه گونه‌گویی «بگو» است که با تبدیل «و» به «ه» (فارسی میانه $g\bar{o}w >$ ایرانی باستان $*gauba-$) همراه با پیشوند «ب» به‌کار رفته‌است. اما در چند آیه، مانند آیه ۲۸۳ سورة بقره، این فعل با املائی فارسی دری، «گو» آمده‌است. در متن عربی لغت «قُل» به‌کار نرفته‌است، به‌عبارتی درمی‌یابیم که این آیات، ترجمه لفظ به لفظ نشده‌است. به‌نظر می‌رسد استفاده از لغت «گو» چنان‌که نیک‌روش (۱۳۹۴: ۱۰۷) آورده‌است^۱ ساختی است که در متن‌های کهن فارسی دری برای ترجمه فعل امر و نهی سوم‌شخص مفرد به‌کار می‌رفته‌است. نکته مورد بحث، موارد دستوری این ساخت نیست بلکه کاربرد لغت «گو» در متن است، لذا شایسته است در اینجا به دو نکته اشاره شود:

الف) نخست اینکه، فراوانی استفاده از این ساخت (یعنی کاربرد «گو» برای ترجمه فعل امر سوم‌شخص مفرد) در ترجمه‌های کهن قرآن با پراکندگی جغرافیایی درخور توجه، از جمله در ترجمه تفسیر طبری، قرآن مترجم پارس، ترجمه قرآن قدس و حتی ترجمه قرآن به زبان طبری^۲، و نیز استفاده از شکل دری فعل یعنی «گو» به‌جای «بگه» در قرآن قدس، می‌تواند شاهدی باشد بر اینکه مترجم قرآن قدس، ترجمه‌ای از قرآن به فارسی دری، پیش رو داشته و از آن استفاده می‌کرده‌است.^۳ این نکته را بسنجید با نظر آذرتاش آذرنوش (۱۳۷۵):

۱. پیش از اینکه توضیحات این ساخت را در اثر نیک‌روش ببینم، دوست گرامی میثم محمدی این مورد را به‌درستی تشخیص و به اینجانب توضیح دادند. بدین‌وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

۲. از آنجاکه شمار سوم‌شخص جمع، شناسه خاص وجه امری ندارد مترجم «گو: بگو» را آورده است تا از این طریق وجه فعل در ترجمه نمایان شود. این همان کاری است که در قرآن مترجم پارس نیز انجام شده‌است: گو تا بپرستند (محمدی ۱۳۹۳: ۱۵۹).

۳. نیک‌روش (۱۳۹۴: ۱۰۷) درباره احتمال ورود این ساخت از فارسی دری به ترجمه قرآن قدس اشاره کرده‌است.

۲۷) که براین باور است، پس از آنکه منصور بن نوح سامانی، فتوای علمای فرارودان را برای ترجمه قرآن به فارسی به دست آورد، ترجمه‌ای نوشته شد که مرجع رسمی و اصلی ترجمه‌های قرآن در آن دوران و سده‌های پسین بوده است و بیشتر ترجمه‌های فارسی که از دوران کهن به دست ما رسیده‌اند، یا تحت تأثیر مستقیم این ترجمه بوده‌اند یا به نحوی از آن الهام گرفته‌اند (اکنون این ترجمه به نام ترجمه تفسیر طبری شناخته می‌شود).^۱

ب) پرسش مهمی که نکته دوم را دربر دارد اینکه، اگر فرض ما درست باشد و مترجم، نسخه‌ای از ترجمه فارسی دری پیش رو داشته و این ساخت را از آن برداشت کرده، چرا فعل «گو» را به گونه زبانی قرآن قدس یعنی «بگه» درنیآورده است؟ چرا یکدستی زبان ترجمه را برهم زده و آشکارا از تلفظ گویش دیگری استفاده کرده است؟ به نظر می‌رسد مترجم با آگاهی «گو» را به جای «بگه» به کار برده است. پژوهشگران قرآن قدس می‌دانند که این ترجمه مانند بیشتر ترجمه‌های قرآن در آن دوره، کاملاً تحت‌اللفظی است و برگردان متن به فارسی با احتیاط بوده است. اما در ترجمه این ساختار، مترجم مجبور شده است از ترجمه تحت‌اللفظی فاصله بگیرد و عباراتی را وارد کند که دقیقاً معادل متن قرآنی نبوده است. احتمالاً مترجم تلاش کرده است با کاربرد عمده «گو» به جای «بگه» به مخاطبان نشان دهد که این بخش از ترجمه، تحت‌اللفظی نیست بلکه ساختی قراردادی (مانند اکثر ترجمه‌های آن زمان) برای بیان مفهوم عبارت بوده و عیناً ترجمه کلام الهی نبوده است. این نکته را می‌توان با نظر لازار (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه ترجمه‌های کهن فارسی نه برای استفاده عموم که برای استفاده نوآموزان دینی و کمک به آموزش قرآن نوشته می‌شدند، سنجید.^۲

منابع و مآخذ

آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۷۵، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، تهران.

۱. برای شواهد بیشتر و مطالعه در مورد وجود نسخه مرجع ترجمه‌های کهن فارسی، نک: عمادی حائری ۱۳۸۶.
۲. نیک‌روش (۱۳۹۴: ۱۰۷) براین باور است که برای تفاوت در افعال امر و التزامی در این صیغه‌ها، «گو» در این ساختار به کار رفته است.

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، زبان پهلوی، تهران.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۹۳، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران.
- ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوانی البخاری، هداية المتعلمین فی الطب، به کوشش جلال متینی، مشهد، ۱۳۴۴.
- برونر، کریستوفر، ۱۳۷۶، نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی، ترجمه سعید عریان، تهران.
- حاجی‌پور، نادیا، ۱۳۹۷، مادیان هزار دادستان، تهران.
- راشده‌محصل، محمدتقی، ۱۳۸۹، دینکرد هفتم، تهران.
- رواقی، علی، ۱۳۶۴، قرآن قدس، تهران.
- _____، ۱۳۸۱، ذیل فرهنگ‌های فارسی، به همراهی مریم میرشمسی، تهران.
- ژینیو، فیلیپ، ۱۳۷۲، ارداویراف‌نامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران.
- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۹۵، «کسره اضافه به جای کة موصول»، فرهنگ‌نویسی، ش ۱۱، ص ۳-۷.
- عمادی حائری، سید محمد، ۱۳۸۶، قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل، تهران.
- غنی، ناهید، ۱۳۸۸، بررسی چند متن کهن فارسی یهودی، تهران.
- فروهوشی، بهرام، ۱۳۹۰، کارنامه اردشیر بابکان، تهران.
- کارگر برزی، مریم، ۱۳۸۹، بررسی زبانی برگردان قرآن قدس جلد ۱، رساله کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- گل محمودی، رضا، ۱۳۹۳، بررسی تطبیقی کاربرد واژگان و عبارات گویش سیستانی در ترجمه قرآن قدس، تاریخ بیهقی و آثار سنایی، رساله کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل.
- لازار، ژیلبر، ۱۳۹۶، «ملاحظات درباره سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس»، ترجمه ستایش دشتی، گزارش میراث، ش ۳ و ۴، ص ۵۸-۶۱.
- _____، ۱۳۹۳، شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، تهران.
- محمودی، میثم، ۱۳۹۳، بررسی و نقد مقاله «ترجمه زیدی قرآن به زبان طبری»، نشریه نامه بهارستان، دوه جلدید، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۹۱.
- مسعودی، رویا، ۱۳۹۱، سبک‌شناسی ترجمه قرآن قدس، رساله کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا.
- مقدم، آژیده، ۱۳۹۴، «بررسی ویژگی‌های نگارشی بخش‌هایی از ترجمه قرآن قدس»، با همکاری مریم شادکمالی، فصلنامه نقد کتاب ادبیات، س ۱، ش ۱، ص ۲۵۱-۲۹۶.
- مکنزی، دیوید نیل، ۱۳۹۴، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران.
- مولایی، چنگیز، ۱۳۹۹، فرهنگ زبان فارسی باستان، تهران.